



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۱۳۹

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۷ فوریه ۲۰۱۰ - ۲۸ بهمن ۱۳۸۸



## مساله رهبری در جنبش سرنگونی

کدام رهبری، کدام پروسه؟

صفحه ۳

علی جوادی



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## برابری هدف کمونیسم است

پاسخ به بهروز ناصری

صفحه ۶

سیاوش دانشور

## ۲۲ بهمن، واقعیات و توهمات

دنبال ۲۲ بهمن شاهد دور جدیدی از سیر واگرایی در جنبش ملی اسلامی هستیم. روندی که با بیانیه ۱۷ موسوی و پنج تن "آل عبا" در میان این طیف شروع شده بود، با سیاستهای رهبران جنبش سبز حکومتی در ۲۲ بهمن به زخمی عمیق تبدیل شده است. همه عینکها را برداشته اند و فکورانه به تجدید نظر در تاکتیکها و ضرورت تدقیق سیاستها پرداخته اند. جماعتی که دنبال این موج راه افتاده بودند و منتظر انفجار خودبخودی توده ها بودند دچار لکنت زبان شده اند. از راست ناسیونالیست تا چپ پوپولیست چیزی برای عرضه ندارند. گویی دوره ای بازیچه ای بیش نبوده اند.

۲۲ بهمن اما برای جنبش سرنگونی طلب فرصتی در میان فرصتهای دیگر بود. نه قرار بود قیام شود و نه قرار بود مطابق روال و تقویم ۳۰ سال پیش در این روز بساط حکومت جارو شود. برخلاف سرگیجه و دبیرسیونی که ملی اسلامیها و متحدین شان گرفته ند، نه حکومتیها و نه مردم دچار تردید نیستند. در بالا برای حفظ خود و بقای نظام زورشان را زدند که کلاه بی پشم آقا و بی حیثیتی نظام را کمی بزرگ کنند. در خارج هواداران شان سرشان را پائین انداختند و همان سیاست را پیش بردند. تفاوتی اگر بود این واقعیت زشت بود که ۲۲ بهمن را به منبری علیه حقانیت حرکت انقلابی در سال ۵۷ و تحریف و جعل واقعیات تاریخی، ضدیت با اراده و منش رادیکال و انقلابیگری بطور کلی، و ضدیت با نیروهائی در داخل و خارج کردند که بر آرمانهای آزادیخواهانه خود پای میفشارند. در داخل کشور مردم دو دسته بودند. کسانی که طرفدار جناحی از حکومت بودند و یا تمایزی میان خود و آنها

صفحه ۲



## پاسخ دفتر نخست وزیری کانادا

به نامه سرگشاده هما ارجمند

صفحه ۲



## عکس ندا- قفل به در سفارت و

وحشی گری پلیس هلند

صفحه ۵

علی ظاهری

## کنفرانس بین المللی

### بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن

## برشی رادیکال

در حاشیه تظاهراتی خارج کشور

صفحه ۱۰

سیاوش دانشور

## هیات حاکمه آمریکا و

### باندهای رژیم اسلامی

صفحه ۱۶

علی جوادی

در صفحات دیگر: فولاد مبارکه اصفهان، حقوق نجومی مدیران و دستمزد پرداخت نشده کارگران، پالایشگاه اصفهان پرداخت خسارت به یک کارگر، کشتار در کارخانه، کشتار در خیابان، کارگران زیر ساخت گستر، تظاهرات ۸ مارس در تورنتو، تظاهرات علیه حضور رژیم در تورنتو، گزارش استکھلم، تهران در ۲۲ بهمن، ... و ستون آخر.

و رادیکالیسم محور اصلی است و هر کسی که واقعا امری برای آزادی با هر روایتی دارد باید به این اردو ملحق شود. ۲۲ بهمن نشان داد که اپوزیسیون ملی اسلامی تا چه حد نافش به جناحی از حکومت بسته است و تا چه حد فاقد هویت سیاسی مستقل است. ۲۲ بهمن بویژه نشان داد بند بازی بین با حکومت و جناحی از آن بودن و یا به سرنگونی طلبی انقلابی تعلق داشتن بیش از پیش غیر ممکن میشود. ۲۲ بهمن اگر توهامات عده ای را برملا کرد اما گوشه کوچکی از قدرت و ظرفیتهای عظیم خط و سیاست رادیکال را برجسته کرد. اوضاع ایران به سمت قطبی شدن شدیدتر میرود. در خارج این روند با سرعت بیشتری به پیش خواهد رفت. انتخاب بین چپ و راست روز به روز به انتخابی ناگزیرتر تبدیل میشود. \*

## ۲۲ بهمن، واقعیات و توهامات ...

قائل نبودند به سفارش آقایان به شمایل و ظاهر حکومتیها درآمدند و در پایان روز فهمیدند که چه کلاه گشادی سرشان رفته است. آنهایی هم که از هر فرصتی برای زدن پوزه حکومت اسلامی استفاده میکنند در اینروز تا توانستند کار خودشان را کردند. درگیر شدند، شعار علیه خامنه ای و حکومت اسلامی دادند، گفتند کشته ندادیم که سازش کنیم، کیوسکها و مقرهای پلیس و نیروی انتظامی را مورد هجوم قرار دادند، جاهانی حجاب پرت کردند، و دست رد به کل این جماعت زدند. برای این دسته داستان تازه شروع شده است و با سنبه پر زور به هر متوهمی میگویند که راه چیست و سیاست درست کدام است. اردوی سرنگونی طلب و انقلابی که منتظر "ظهور انقلاب مهدی" در اینروز نبود، نه فقط دچار هیچ سرخوردگی و تردیدی نیست بلکه احساس قدرت و صلابت فکری و سیاسی میکند و مشغول سازمان دادن خود و نیرویش برای جنگهای وسیع تر است.

در ۲۲ بهمن چند موضوع تثبیت شد: اول، بالائینها به هر درجه که سازش میکنند و یا ناچارا به زبان نسبتا واحد سخن میگویند، در پائین میان طرفداران شان در داخل و خارج فروپاشی و بی افقی مسلط میشود. روندی که قبل از ۲۲ بهمن شروع شده بود مهره های سوخته در بالا را سوخته تر از هر زمانی لخت و عور به همه نشان داد. دوم، نیروی سرنگونی طلب در داخل منسجم تر و مصمم تر شد و علیرغم تلاش برای اینکه نشان دهد صحنه دست بالائی ها نیست هوشیارانه عمل کرد و دم به تله تاکتیک رژیمها نداد و خود را گوشت دم توپ نکرد. در واقع سیاستی که قرار بود با فاصله گرفتن سبزه های حکومتی به سیبل کردن سرنگونی طلبان منجر شود

در داخل و خارج مجموعا این حکومت اسلامی بود که بازنده بود و این سرنگونی طلبان بودند که زیر نور قرار گرفتند. خط وسط که به جناحی از حکومت سرویس میداد بعد از یکماه روضه "خشونت" خواندن دست از پا درازتر به خانه هایشان رفتند. ۲۲ بهمن نشان داد که درک کلیشه ای از رویدادهای تاریخی مانند همیشه به تخت سینه دیوار میخورد. ۲۲ بهمن نشان داد که سرنگونی طلبی

## پاسخ دفتر نخست وزیری کانادا به نامه سرگشاده هما ارجمند

مسئول کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی به نخست وزیر و نمایندگان پارلمان کانادا در ارتباط با قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی

از طرف نخست وزیر

به هما ارجمند

پیوست به: لورینس کانن، پی سی، ام پی

تاریخ ارسال: ۱۵ فوریه ۲۰۱۰، ساعت ۱۱:۴۴ صبح

موضوع: دفتر نخست وزیری

خاتم هما ارجمند گرامی

از طرف مقام محترم استیون هارپر بدین وسیله اعلام میکنم که نامه شما در ارتباط با اوضاع ایران دریافت شد.

مطمئن باشید که نظرات شما با دقت مورد بررسی قرار گرفته است. از فرصت بهره جسته و پیام شما را برای علیجناب لورینس کانن، وزیر امور خارجه فرستادم. مطمئن هستم که که وزیر از این که او را از نگرانیها و خواسته هایمان مطلع ساختیم و خواهان رسیدگی به آنها شدیم، تقدیر خواهد کرد.

از شما بخاطر نوشتن نامه به نخست وزیر تشکر میشود.

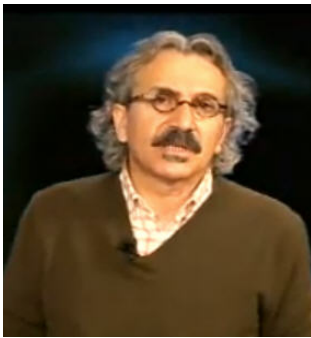
م. بردسن

مدیر اجرایی مراسلات دفتر نخست وزیری

## مساله رهبری در جنبش سرنگونی

کدام رهبری، کدام پروسه؟

علی جوادی



یک دوره حزب توده این نقش را داشت، یک دوره فدایی. امروز مردم ایران حزب کمونیست کارگری(\*) را سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه میدانند. در نتیجه رهبری تابعی از انتخاب سیاسی مردم میان یک راه انقلابی و یا غیر انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی است. حزب و جنبش ما مصمم است که این رهبری را تامین کند. همه فعالیت حزب کمونیست کارگری معطوف به جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوایی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری ایران است. شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوایی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند. دوم خرداد یکی از اینها بود. مردم نهایتاً تن ندادند. جنبش ملی اسلامی احتمالاً هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با یک رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین دارد. اینها را باید یک به یک منزوی کرد. اپوزیسیون بورژوایی بیرون حکومت در مقطعی وارد صحنه خواهد شد تا نقطه تعادل‌های جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزنند. ما باید مدام مردم را به فراتر رفتن از این چهارچوبها فرا بخوانیم. ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان "نه" بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم. هرچه این نخواستن

که مبانی سیاسی و آلترناتیو اجتماعی مورد نظر ما مورد انتخاب مردم قرار بگیرد به همان میزان هم جنبش، حزب، و شخصیت‌های حزبی ما به جلوی صف اعتراضی جامعه رانده خواهند شد. به این اعتبار تامین رهبری جنبش سرنگونی در گرو پذیرش "نه" اعتراضی ما به کل وضعیت موجود در جامعه است. در این راستا دوست دارم توجه علاقمندان را به بحث منصور حکمت در این زمینه جلب کنم. منصور حکمت در پاسخ به این سؤال که "مبارزه در سطح جامعه دارد گسترش پیدا میکند و جنبش سرنگونی احتیاج به رهبری دارد. در غیاب اتحاد اپوزیسیون، رهبری جنبش چگونه باید تامین شود؟ پاسخ میدهد:

"رهبری محصول هژمونی سیاسی است و نه معدل گیری میان جنبشها و با قرار و مدار سیاستمداران. پیدایش یک رهبری در جنبش عمومی برای سرنگونی تابعی از دست بالا پیدا کردن یک افق است. وجود یک رهبری واحد گواه این است که توده وسیع مردم انتخاب سیاسی خود را کرده اند. این انتخاب بدوا یک انتخاب حزبی نیست. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. آیا افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی از نظر مردم یک افق و راه حل چپ است یا راست؟ این سوالی است که قبل از بقیه پاسخ میگیرد. آیا مردم در انداختن جمهوری اسلامی، به بالا، به قدرتهای غربی و به اقتصاد بازار امید میبندند یا به نیروی خود، به چپ جامعه و به یک راه حل رادیکال چشم میدوزند. مردم چپ را میخواهند یا راست را؟ این سوال هنوز در ایران امروز باز است. این انتخاب هنوز صورت نگرفته است. اگر ما بتوانیم افق چپ و انقلابی را به افق هژمونیک در روند سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنیم، آنوقت شخصیتها و احزاب عمده این اردوی چپ در موقعیت رهبری قرار میگیرند. مردم در هر دوره چپ جامعه را با جریانات معینی تداعی میکنند و آنها را پرچم و ظرف چپگرایی خود قرار میدهند.

سیاسی این جنبش، حزب رادیکال و افراطی اتحاد کمونیسم کارگری در راس این جنبش میتواند تضمین کننده پیروزی انقلابی این حرکت عظیم و تحقق خواسته‌های واقعی توده‌های مردم باشد.

از این رو تلاش برای تامین ملزومات رهبری این جنبش و قرار گرفتن در راس جنبش سرنگونی طلبانه توده‌های مردم یک مساله مبرم و حیاتی در حزب ماست. سیاستها و قطعنامه‌های حزب در این دوره اخیر از تحولات جامعه بیانگر تلاش برای ترسیم خطوط سیاسی و عملی نیازهای پیشروی و پیروزی این جنبش از نقطه نظر ما است. تلاش همه جانبه برای سازماندهی انقلاب کارگری، گسترش و تحکیم تشکلات حزبی و توده‌ای طبقه کارگر، سازماندهی اردوی اجتماعی کمونیسم کارگری و گرد آوردن جنبشهای رادیکال و آزادیخواه به گرد این پرچم، کاری است که در این دوران دنبال کرده ایم. تاکید میکنم حزب ما مصمم به ایفای این نقش حیاتی در جنبش سرنگونی است. ما پیروزی رادیکال و آزادیخواهانه این جنبش را در گرو چنین تحولی میدانیم.

۲- اما به نظر من بر خلاف تصورات رایج در جامعه تامین رهبری در جنبش سرنگونی در گرو اعلام آمادگی فرد و یا جمعی از رهبران سیاسی جنبش اجتماعی ما نیست. مسلماً اعلام آمادگی شرط لازم و نه کافی تحقق چنین ملزوماتی است. و اتفاقاً بخش اصلی مساله همین شرط کافی است. نمیتوان شیپور را از سر گشاد آن به صدا در آورد. بلکه بر عکس، پیدایش رهبری و قوام گرفتن آن در راس این جنبش محصول و تابعی از انتخاب سیاسی جامعه و قرار گرفتن افق و چهارچوبهای سیاسی چپ و رادیکال در راس اعتراضات مردم است. به میزانی

یادداشتی را که متن کامل آن را در زیر می‌خوانید نوشته‌ای از علی طاهری خطاب به رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری است که در آن به مساله رهبری در جنبش سرنگونی طلبانه توده‌های مردم و نیاز به قرار گرفتن فردی در مقام رهبری این جنبش از جانب جنبش کمونیسم کارگری و حزب اتحاد کمونیسم کارگری اشاره شده است. از آنجائیکه از به من بعنوان فرد مورد نظر در این چهارچوب نام برده شده است، دوست دارم به نوبه خود نقطه نظرات رهبری حزب را پیرامون مساله رهبری در جنبش سرنگونی، مختصات و ویژگی‌های آن و تلاش ما در این زمینه بیان کنم.

۱- تامین مساله رهبری در جنبش سرنگونی یک نیاز واقعی و حیاتی است. سرنوشت این جنبش به درجات زیادی به اینکه کدام نیروی اجتماعی در راس این جنبش قرار میگیرد و یا اینکه این جنبش را تحت الشعاع حرکت خود را قرار میدهند، گره خورده است. بطور مثال به میزانی که جریانات اصلاح طلب سبز حکومتی بتوانند در این جنبش نفوذ داشته باشند به همان اندازه هم سیاستهای مسموم و ارتجاعی خود را به این جنبش تزریق خواهند کرد، آن را عقیم و ناکار کرده و به شکست نزدیکش خواهند کرد. از طرف دیگر چنانچه جریانات راست پرو غربی بتوانند این جنبش را تخته پرش حرکت خود به سمت قدرت سیاسی حاکم تبدیل کنند، به همان درجه هم خواهند توانست مردم را از خواسته‌ها و اهداف دیرینه خودشان مبنی بر دستیابی به جامعه‌ای آزاد و برابر و مرفه برای همگان دور کنند و تلاش این مردم را بار دیگر به شکست خواهند کشاند. تنها قرار گرفتن جنبش کمونیسم کارگری و حزب

## مساله رهبری در جنبش سرنگونی

کدام رهبری، کدام پروسه ...

سرنگونی طلبانه توده های مردم است.

انقلاب می شود.

\*\*\*

ضمیمه: نامه علی طاهری

علی جوادی رهبر جنبش  
سرنگونی طلبی در ایران

جامعه ایران وارد فاز تازه ای از مبارزات سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی شده است. شعر و هنر عمومی، برنامه های تلویزیونی، رادیوها، اخبار گوشه و کنار همه و همه از ورود به یک مرحله جدید اجتماعی خبر می دهد. اعدام و شکنجه بیداد می کند. گرسنگی و گرانی امان از مردم بریده است. عقل محافظه کارترین اقشار هم دستور به تغییر میدهد. عنقریب است که شیشه عمر منحوس رژیم آدمکشان خمینی به پایان برسد. لحظه هیجان انگیزی که به قیمت خون یک نسل بدست آمده است. هر کس که تصمیم گرفته که بایسته و شایسته است که جمهوری اسلامی را باید انداخت با این سوال روبرو میشود که با کدام ابزار؟ با کدام رهبری؟

مسلمانان تمام سازمان ها و احزاب جنبش های مختلف از سلطنت طلبان بورژوا تا مجاهد خلق پوپولیسیت تا کمونیست های رادیکال و در نهایت امر کمونیست های کارگری هر کدام آلترناتیو و ابزارهای تعریف شده خودش را دارد. حتی جنبش های ارتجاعی همانند دوخرد هم برای تغییر از درون چاره اندیشی می کند. تز می دهد و چرند می بافند.

اما قبل از اینکه به سراغ کارایی این راهکارها رفت باید سری به درون اجتماع زد. رهبران انقلاب های مختلف چه با خصلت کارگری و چه با خصلت بورژوایی همگی متفق القولند که هر جامعه مکانیسم های متفاوت مبارزاتی را میطلبد و فی المثل مدل انقلاب روسیه قرار نیست در آلمان پیروز شود و هر گونه کپی برداری باعث شکست تغییر و

عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود. از نظر عینی روند اوضاع به نفع ماست، چون نقطه سازشهای مورد نظر هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوایی از نظر عینی پاسخ نیازهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران امروز نیست. بحران اقتصادی - سیاسی - فرهنگی سرمایه داری در ایران به سادگی قابل تخفیف دادن نیست."

(\* منظور حزبی نیست که تحت این نام اکنون فعالیت میکند. رهبری سازشکار و پوپولیسیت حمید تقوایی هر گونه پیوند این حزب را با تاریخ واقعی و سیاسی آن گسسته است. حزبی که جریان موسوی و کروبی را در "کنار مردم" و "همراه مردم" میداند، یک روز با جنبش ارتجاعی سبزها و روز دیگر به ناسیونالیستهای پرو غربی نزدیک میشود، کوچکترین ربطی به حزب کمونیست کارگری دوران منصور حکمت ندارد. حزب "اکس کمونیست کارگری" است.

۳ - ما تاکنون بارها شاهد شکست تلاش جریان دست راستی جامعه در این راستا و بمنظور شکل دادن به "رهبری" اعتراضات جاری در جامعه بوده ایم. تجربیات کج و کوله برخی از جریان دست راستی را هم به این مجموعه باید اضافه کرد. جامعه دست رد به مجموعه این اقدامات زده است. و باید گفت که این نشانه درایت سیاسی مردم است. از این تاریخ و تجربیات باید آموخت. جامعه ایران جامعه پخته ای است. خام و کم تجربه نیست. شاید جریان دست راستی با ضرب تبلیغات و رسانه های پر قدرت بتواند فرد مورد نظر خود

را بمثابه "رهبر" به جامعه حفته کنند. شاید این پروسه نقش و جایگاه برجسته ای در مجموعه گزینه ها در صفوف این قطب باشد. اما برای ما کمونیستهای کارگری مساله اساسا به شکل دادن به افق سیاسی اعتراضات و تبدیل شدن به جریان رهبر و سازمانده اعتراضات فی الحال موجود گره میخورد. جریان دست راستی عمدتا از طریق بند و بست، سازش، یا کلا تحولاتی از بالا میتوانند به قدرت نزدیک شوند. برای ما مساله اما در گرو ترسیم افق سیاسی این تحولات، قرار گرفتن در راس "نه" اعتراضی جامعه، تبدیل شدن به جریان و حزب رهبر و سازمانده شدن است. تمایز و تفاوت پاسخ به این نیاز توسط جنبشهای متفاوت اجتماعی را باید شناخت. ما نمیتوانیم به همان شیوه ها به قدرت نزدیک شویم که جریان دست راست برای پیشروی خود ترسیم میکنند. اتفاقا چنین تمایزی برای ما یک نقطه قدرت است. زمانیکه جامعه بپاخواسته است، تحول از پایین مجرای اصلی تحولات در جامعه است، این چپ و کمونیسم و آلترناتیو انقلابی است که به جلو رانده میشود. از این رو ما در عین تلاش برای ایجاد بیشترین زمینه های دسترسی به گسترده ترین بخشهای جامعه، در عین تلاش برای ترسیم هر روز سیمای سیاسی آلترناتیو خود و نقد جریان دست راست و سازشکار، در عین حال میکوشیم که صفی از رهبران و چهره های سیاسی شناخته شده را در جلوی جامعه قرار دهیم.

۴ - جنبش کمونیسم کارگری دارای چهره ها و شخصیتهای متعددی است که هر کدام میتوانند و باید در ظرفیت رهبران اعتراضی بخشهایی از جامعه ظاهر شوند. گرد آوردن و متحد کردن این چهره ها و شخصیتها به دور سیاستهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری یک حلقه اساسی در تامین ملزومات رهبری کمونیستی بر جنبش

در رابطه با ایران وقتی به پای حرف مردم معترض و مبارز می نشینی همگی بر یک نکته تکیه میکنند: سرنگونی جمهوری اسلامی به یک رهبر احتیاج دارد. جنبش های ملی اسلامی و راست پرو غرب به سرعت این مکانیسم را جذب کرده اند و رهبر سازی کرده اند. حتی امثال مجاهد رییس جمهور و دولت تعیین کرده اند. اما جنبش کمونیسم کارگری با تمام اعتبار عظیمی که دارد به علت های مختلف از این پدیده به سادگی گذشته است. که اینجا به آن اشاره می کنم:

۱ - خود کم بینی: روحیه ای که منصور حکمت اسم آن را جونیوریسم سیاسی مینامد. و مثال میزند کمونیست ها عمری باید اندیشه بدهند کتاب بنویسند و سر فرصت قدرت را دست احزاب بورژوایی بدهند.

۲ - فرق نگذاشتن بین لیدری حزبی و لیدری اجتماعی سیاسی: مسلما حتی بعد از تشکیل شوراها احزاب کمونیست کارگری به نمایندگانی احتیاج دارند. به سخنگوهای احتیاج دارند. دو نفر روی یک صندلی نمی توانند بنشینند. اما حق ابراز نظر از کسی که در مقام سخنگوی سیاسی نیست گرفته نمیشود. احزاب بورژوایی ما کمونیست ها را با دیکتاتور مقایسه میکنند اما وقتی نوبت قدرت سیاسی می شوند معلوم می شود که داشته اند فرافکنی میکرده اند. این رعب وحشت را باید به کناری زد.

### چرا علی جوادی؟

ممکن است بعضی از بیرون ما فکر کنند چرا علی جوادی؟ اما برای ما اسم و شخص خاصی مهم نیست. درجه اول به پیروزی رساندن یک انقلاب اجتماعی سیاسی و برپایی جامعه مرفه و آزاد رل اصلی را بازی

## مساله رهبری در جنبش سرنگونی کدام رهبری، کدام پروسه ...

علی ظاهری



## عکس ندا- قفل به در سفارت و وحشی گری پلیس هلند

لیبرالیسم هلندی! این را بخوانید مامشات دول اروپایی با رژیمهای خونخواری مانند جمهوری اسلامی! ماموران کثیف یگان ویژه در میدان حسن آباد در روز 22 بهمن در تهران جوانی را باتوم باران کردند. فیلم این صحنه در تمام خبرگزاریهای دنیا مخابره شد! همان روز هم پلیس یک کشور مثلا آزاد اروپایی یک جوان معترض را با مشت و لگد در هلند له کرد. در سوئد هم وحشیگری را به اوج رساندند. شباهتها بیشتر از تفاوتها است.

به راستی فرق سگ های محافظ نظام سرمایه در کل دنیا در چیست؟ ذره ای در شقاوت از هم کمی ندارند. اگر جنبش های مدرن و با پشتوانه امروز در اروپا نبودند و در گذشته در برابر این نظام کثیف سرمایه قد علم نکرده بودند در خود همین اروپا چوبه های اعدام را در میداين عمومی میدیدیم! هر چند که بساط شکنجه های روحی و روانی و بدنی همین امروز در دل این اروپای به ظاهر متمدن گزارش میشود!

در این رابطه با وکیلی به نام بخارست تماس گرفتم. قبل از این قرار بود پرونده علی را قبول کند. اما همین اینکه شنید علی به زندان افتاده است و قضیه سیاسی است گفت من انرژی ندارم. این حضرت والا کتابی چاپ کرده بود برای دفاع از پناهنده های غیر قانونی و با دبدبه و کبکبه همه جا پز میداد و عکس یادگاری می انداخت. این آقای وکیل در هلند به یک آدم "چپ رادیکال" معروف است. وضعیت بقیه که روشن باید باشد!

اما همین امروز باید برای تو دهنی زدن به پلیس هلند آماده شد. نباید اجازه داد به راحتی با جمهوری اسلامی ساخت و پاخت بکنند. اینها که ادعا دارند کشور آزاد هستند و در یک کشور آزاد که تظاهرات جرمی نیست. چرا فقط باید برای یک تظاهرات خاص چنین هزینه سنگینی داد؟ در این باید شک کرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی

تف به پلیس چه هلندی چه ایرانی چه هر جایی

علی ظاهری

شماره تماس:

0031684971059

روز پنج شنبه مصادف با 22 بهمن تظاهراتی در مقابل لانه گانگسترهای اسلامی در شهر لاهه برگزار شد. تدابیر امنیتی پلیس هلند برای مقابله با تظاهر کنندگان بیسابقه بود. دهها ماشین ضد شورش و چیزی بالغ بر بالای دهها مامور پلیس برای مقابله و سرکوب تظاهر کنندگان به جلوی خانه آدمشکان اسلامی آمده بود. حدود 6 جوان قصد حمله به سفارت را داشتند که توسط پلیس هلند بازداشت شدند. اما در این میان برای تمام کسانی که در این تظاهرات شرکت کردند یک صحنه بسیار دردناک و غم انگیز رخ داد. جوانی به نام علی که به دلایل امنیتی از بردن اسم خانوادگیش پرهیز میکند با یک قفل قرمز و یک عکس ندا در وسط آن قصد قفل کردن در لانه قداره بندان اسلامی را داشت. ندا این سند پاک نشدنی جنایات جمهوری اسلامی! ندا انسانی که امروز هم آدمکشان دست از سر جنازه او بر نمیدارند و هزار و یک تهمت و اتهام و توهین نصیبش میکنند. هیچ جای دنیا قاتل مقتول را فریبکار ننماید است. هیچ جای تاریخ کسی برای فریب شخص ثالث خود را به قتل نرسانده است. اما این جنایتکاران اسلامی مردم و مخاطبین و درجه شعورشان را با خود اشتباه گرفته اند. همه را مانند خود احمق فرض کرده اند! این مسائل دست به دست هم میدهد تا دل هر انسانی را به درد بیاورد. علی جوان 25 ساله که با خبر شدم برادرش در ایران در درگیری های اخیر دستگیر شده و به او مثل همیشه تهمت همکاری با اپوزیسیون را زده اند برای اینکه اعتراض خود را نشان بدهد قصد به دست زدن به این اقدام سمبلیک را داشته است!

اما در مقابل پلیس، آنهم در اروپا که فریاد دموکراسی خواهی قلابی گوش همه را کر کرده است، با مشت و لگد به جان علی می افتد. زیر چشم او به طرز رقت باری صدمه دیده است. حتی در هلند قانونی وجود دارد که در صورت اقدامات آنارشستی در تظاهرات شما فقط شامل جرمه میشوید. اما این شامل حال علی نشده است. از روز پنج شنبه در بازداشت به سر میبرد و او را بعد از بازداشت موقت به زندان شهر لاهه منتقل کرده اند و آطور که در مکالمه کوتاه تلفنی به من گفت حدود 6 ماه تا یک سال باید در این زندان بسر ببرد. البته این توضیح را باید بدهم که از نظر دولت هلند علی یک فرد قانونی نیست. زیرا مدتی است پروسه پناهندگی اش بسته شده است و در این حالت یا باید مدت زندان را سپری کند یا به ایران برگردد. این دیگر ته جهنم است! این است

می کند. آیا نمی شد کس دیگری جای علی جوادی را بگیرد؟ این امکان وجود داشته و وجود دارد. اما در شرایط کنونی حاضر علی جوادی واجد این خصلت بالقوه رهبری است. دلیل این امر چیست؟ من شخصا به سه نمونه برخورد از نزدیک برای ثبت در تاریخ اشاره می کنم:

### ۱- اعتصاب عمومی دانشگاه خوراسگان اصفهان در سال ۱۳۸۲

در این اعتصاب گسترده که به تعطیلی دانشگاه انجامید و اعتراض دانشجویان به آپارتاید توهین آمیز جنسی در دانشگاه بود، دانشجویان ده نماینده 5 دختر و 5 پسر انتخاب کردند. هر 5 نماینده دختر پس از آشوبی که بپا شد دکتر جوادی را آترناتیو خود می دانستند.

### ۲- اعتصابات در پتروشیمی و پالایشگاه اصفهان

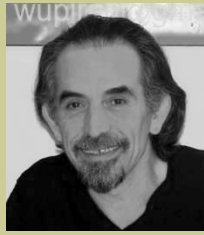
علی جوادی یک شخصیت سرشناس در بین کارگران نفت در بخش پتروشیمی و پالایشگاه است. کارگران در بحث های دسته جمعی که من از نزدیک شاهد بودم علی جوادی را با سوادترین رهبر اپوزیسیون می دانستند و در اعتصاب بیست روزه مدام رجوعشان به رادیو انترناسیونال و بحث های علی جوادی بود.

### ۳ - مباحثات خیابانی مردم

شخصا شاهد بودم در خیابان رباط اصفهان چند جوان جمع شده بودند و من رهگذر از میان کلمات آنها اسم علی جوادی را شنیدم.

این فاکتها که کم نیستند را بعنوان یک رهبر سرشناس در میان مردم میتوان اسم برد. البته اینها کافی نیست. قدرت تئوریک و پراتیک علی جوادی را بعنوان گزینه های دیگری می توان اسم برد. اینکه برای ما کمونیست ها میان یک رهبر و یک عضو ساده فرقی نیست و فقط این نامها مسئولیت بزرگتری را بدوش کسی میگذارد. ما کمونیست ها چیزی برای از دست دادن نداریم. اما مادامی که از پر کردن این خلا اجتماعی در جنبشمان ناتوان بمانیم افق های پیروزی کم رنگ و کم رنگ تر خواهد شد.\*

استنتاجات تازه شماسست مرور کنید. آنجا بحث بر سر نادرستی شعار برابری نیست، بر سر توخالی بودن شعار حق برابر و تقسیم برابر "محصولات بی کم و کاست کار اجتماعی" میان شهروندان است.



## برابری هدف کمونیسم است

پاسخ به بهروز ناصری

سیاوش دانشور

... کمونیسم بر سر برابری انسان ها و رفع تبعیض است. مارکس از محو طبقات، محو تقسیم کار، محو تفاوت شهر و روستا، محو تفاوت کاری بیدی و فکری و غیره سخن میگوید. تحت نام مارکسیسم، البته، پرچم های بسیاری مختلفی علم شده است. اما یک مارکسیسم مخالف برابری و برابری طلبی واقعا پدیده نوظهور و بی سابقه ای خواهد بود."

### تاریخ و مفاهیم اجتماعی

در سالهای گذشته از جمله خواننده بودم که شعار آزادی و برابری بیان کننده مفهوم خاصی نیست و ادامه همان "آزادی، برابری، برادری" انقلاب فرانسه است. یعنی مفهومی بورژوازی دارد و ضرورتا سوسیالیسم را نمایندگی نمیکند. تردیدی نیست اگر حکومتی که آزادی و برابری را تامین و تضمین میکند یک حکومت کارگری و سوسیالیستی نباشد، این شعار را هر دست راستی هم میتواند دستش بگیرد. لذا سه جز شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" لازم و ملزوم همدیگر هستند. و البته این هم به تنهایی کافی نیست بلکه باید مفهوم و منظور روشن از آزادی و برابری و حکومت کارگری بدست داده شود. امری که در حزب کمونیست ایران وقت خودش صورت گرفت و بعدتر برنامه یک دنیای بهتر مضمون دقیق تر آنرا بیان کرد.

اما اگر استدلال بهروز ناصری مبنی بر اینکه "برابری واقعی نیست"، "برابری قابل مشاهده، سنجش و اندازه گیری نیست"، "برابری مقوله ای ذهنی و غیرقابل

تاریخی خاصی است که به آن تحمیل شده است.

منصور حکمت در ۲۹/۹/۱۹۹۹ در پاسخ به حجت برزگر که استدلالی مشابه بهروز ناصری را طرح میکند در یادداشتی با عنوان "کمونیسم و برابری" از جمله مینویسد؛

"... در مورد محتوای نظر شما باید بگویم که بنظر من بحث شما از یک سو تعبیر در مورد مقوله "برابری" و مترادف دیدن آن با "یکسان" بودن و تساوی عددی ناشی میشود. گفتن این که کمونیسم یک جنبش برابری طلبانه نیست، فکر میکنم همه کمونیست ها و مارکسیست ها و ناظرین و مورخین تاریخ سوسیالیسم را حیرت زده خواهد کرد. خود ایده "به هرکس به اندازه نیازش"، گویاترین تبیین از یک برابری عمیق در جامعه است، یعنی هر کس، مانند دیگری، مثل بقیه، بدون هیچ تبعیضی، بعنوان انسانی برابر با دیگران، میتواند هرچه را نیاز دارد از جامعه برداشت کند. شما این را نابرابری میدانید چون انسان ها نیازهای یکسانی ندارد و لاجرم بطور متفاوت برداشت خواهند کرد. اما صحبت بر سر برابری خوراک و مسکن و پوشاک و قد و وزن انسان ها نیست. صحبت بر سر برابری خود انسان ها در جامعه، در تولید، و در قبایل امکانات و منابعی است که موجود است. جامعه ای که میان من و شما فرق نگذارد، یک جامعه ای برابر است، هرچند که شما ممکن است دو برابر من سیگار بکشید و دو برابر نیاز داشته باشید.

توصیه میکنم یک بار دیگر همان نقد برنامه گوتا را که ظاهرا منبع

بعنوان شعار استراتژیک خود تاکید دارد و برخلاف استنباط بهروز ناصری نه آزمون در حزب کمونیست ایران و نه امروز این شعار پاسخی تاکتیکی و یا استنتاجی از وضعیت سیاسی حکومت اسلامی نبوده و نیست. ما در مقابل آلترناتیوهای سیاسی بورژوازی شعار "جمهوری سوسیالیستی" را بعنوان نام حکومت کارگری و با همان مضمون طبقاتی که در برنامه یک دنیای بهتر طرح شده است در کنار شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" تبلیغ میکنیم.

لازم به تاکید است که سالها قبل حجت برزگر نیز از جمله با استناد به یادداشت مارکس در نقد برنامه گوتا، "برابری" را عبارتی نادرست و غیر کمونیستی ارزیابی کرده بود. بهروز ناصری نیز با استناد به همین منبع عنوان میکند که "برابری" حقی بورژوازی است. اما در همان قطعنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست ایران نیز برابری نه به معنای "یکسان بودن" و به قول لاسال "توزیع بی کم و کاست محصولات کار اجتماعی" بلکه به معنای "برابری اجتماعی و اقتصادی" بکار رفته است.

مارکس در نقد برنامه گوتا بقول خودش "آیه های لاسالی" حق برابر و "توزیع بی کم و کاست محصول کار" را نقد میکند و نه برابری انسانها بطور کلی در جامعه کمونیستی. از زاویه کمونیسم مارکس شرط تامین برابری انسانها همان برنامه اقتصادی "به هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش" است. کمونیسم برنامه اقتصادی متفاوتی از این نمیتواند داشته باشد و اگر داشته باشد کمونیسم نیست بلکه محدودیت

دوست قدیمی بهروز ناصری کادر حزب کمونیست ایران در مطلبی با عنوان "پلی بسوی سوسیالیسم، بحثی در رابطه با شعارهای تاکتیکی سوسیالیستی در وضعیت سیاسی ایران امروز"، تلاشی را برای بدست دادن رابطه شعارهای تاکتیکی و استراتژیکی سوسیالیستی شروع کرده است. وی در این تلاش به نقد ترکیب شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" و مشخصا مفهوم "برابری" میپردازد و خواهان کنار گذاشتن این شعار است. با اشاره به فاکتی از نقد برنامه گوتا، "برابری" را از نظر مارکسیسم یک "سو تفاهم" میداند و بالاخره پیشنهاد آلترناتیوی ارائه میدهد: "نان، مسکن، آزادی، حکومت کارگری".

همانطور که بهروز ناصری اشاره کرده است شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" در حزب کمونیست ایران اول بار توسط منصور حکمت طی مقاله ای در نشریه کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران، سال دوم شماره ۱۴ به تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۶۳ طرح شد و سپس دفتر سیاسی وقت حزب قطعنامه ای در مورد این شعار تصویب کرد که در همان شماره نشریه کمونیست منتشر شد. از آن زمان این شعار به شعار استراتژیک حزب تبدیل شد. بعدتر در حزب کمونیست کارگری نیز "آزادی، برابری، حکومت کارگری" شعار استراتژیک حزب بود که محتوای آن را برنامه یک دنیای بهتر منعکس میکند. اخیرا حزب "کمونیست کارگری" این شعار را بایگانی کرد و بجای آن شعار ناسیونالیستی و حقوق بشری "انقلاب انسانی برای حکومت انسانی" را گذاشت. حزب اتحاد کمونیسم کارگری اما بر این شعار

مفهوم رفاه را در دیدگاه سوسیالیستی به نان و مسکن خلاصه نکنیم و پرچمدار کمونیسمی نباشیم که مدافع نابرابری است.

### بحث دو فاز

خیلی خلاصه مبنای بسیاری از این شعارها دیدگاهی است که سوسیالیسم را فازبندی میکند و برای هر فاز برنامه اقتصادی معینی دارد. این دیدگاه در روسیه بدنبال انقلاب بلشویکی معضلات متعددی را بوجود آورد. شعار کسی که کار نکند نان نمیخورد از این جمله است. البته بهروز ناصری چنین بحثی را طرح نکرده اما رد پای این دیدگاه در مباحث سوسیالیستها حاکم است. وارد شدن به این بحثها امروز مهم و در عین حال بسیار شیرین و حیاتی است.

برنامه کمونیسم کارگری قائل به این فاز بندی نیست و تنها برنامه اقتصادی مد نظر ما "به هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش" است.

\*\*\*

است، و نابرابری اجتماعی و اقتصادی نیز به همین اعتبار از بین می‌رود، دفاع کند.

تردیدی نیست که هر حزبی محق و مخیر است که هر شعاری را چه تاکتیکی و چه استراتژیکی در دستور خود بگذارد. من اینجا وارد بحث تفصیلی برسر شعار "نان، مسکن، آزادی، حکومت کارگری" نمیشوم. فقط همین را میگویم این شعار فدائیان خلق بود و هست که "جمهوری شورائی" را بجای حکومت کارگری استفاده میکنند و اخیرا در نشریاتی آنرا "بهترین بیان حکومت کارگری" میدانند. این شعار در قیاس با شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" شعاری پیش و پا افتاده و مبتنی بر تبیین معینی از سوسیالیسم غیر کارگری است. اما شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" محصول یکدوره مبارزه فکری و سیاسی و فتح سنگرهای توسط کمونیسم ایران است که اینجا مجال پرداختن به تاریخ آن نیست. جایگزینی شعارهای پیشنهادی بهروز ناصری بجای شعار استراتژیک و تاکتونی این حزب یک عقبگرد سیاسی محسوب میشود. بویژه اگر

## برابری هدف کمونیسم است

پاسخ به بهروز ناصری ...

حکومت کارگری و سوسیالیستی بر خود نهادند. همانطور که یک مارکسیست دولت فلان ژنرال کودتاچی در عراق و مصر و آفریقا و یا حکومت شوروی و چین و غیره را با سوسیالیسم و حکومت کارگری اشتباه نمیگرفت، آزادی و برابری مورد نظر جنبشهای بورژوائی را نیز با آزادی و برابری مورد نظر پرولتاریای سوسیالیست و جنبش کمونیستی کارگری اشتباه نمیگیرد.

مفاهیم اجتماعی تاریخ دارند و در هر دوره مهر و نشان جنبشهای اجتماعی و طبقاتی خاصی را بر خود دارند. با مسلط شدن سرمایه داری و عروج جنبش کمونیستی طبقه کارگر و بویژه از زمانی که مارکسیسم پرچم و تئوری انقلابی - انقلابی این جنبش شد، تلقی بشر از آزادی و رهایی بشدت دگرگون شد. تحولات زیر و رو کننده دو دهه اخیر و پیامدهای آن در قلمرو افکار و آراء، عروج مکاتب پفکی و جنبشهای ارتجاعی بورژوائی و ضد جامعه، درافزوده ای به آنچه تئوری مارکسی و جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری در صحنه تحولات جهانی پدید آورد نه فقط نداشته بلکه یک سیر واپسگرایی و رجعت به ارزشهای عتیق و ارتجاعی و بسته بندی آنها در زورقی جدید بیش نبوده است. اگر آزادی و یا برابری حتی به سطوح بسیار پائین تری از تلقی بورژوا در قرن بیستم سقوط میکند، مقصر نه مارکس است و نه جنبش کمونیستی بلکه این یک روند سیاسی است که با خود لجن تاریخ را بالا زد و مذهب و ناسیونالیسم و فاشیسم و جامعه ستیزی و خودمحوری و اصل اصالت زور را به زبان و فرهنگ بورژواها تبدیل کرد. کمونیسم اما، اگر کمونیسم مارکسی و کارگری باشد، موظف است آن منظره های بزرگ را در مقابل جامعه بگیرد و از شعارها و پرچمهای جنبشی که خواهان احاطه تفاوتهای طبقاتی

اثبات می باشد" را بپذیریم، سوال من اینست چرا همین استدلالها و استدلالهای مشابه برای "آزادی" و "حکومت کارگری" صادق نیست؟ بالاخره بشر تاریخا آزادی خواسته است و در هر دوره درک تاریخی معینی از آزادی داشته است. آزادی برده معادل "مرد آزاد" و برده نبودن است، آزادی رعیت معادل مالکیت قطعه زمینی است، اوج آزادیخواهی بورژوائی برابری حقوقی و اصل شهروندی است که تاریخا امری پیشرو است و همین با مبارزات گسترده در پائین متحقق شده است. اما در قلمرو اجتماعی و اقتصادی آزادی مد نظر بورژوازی معادل آزادی استثمار و مالکیت خصوصی است که بند طلانی بیانیه حقوق بشر است. اما آزادی مد نظر کمونیسم یک آزادی عمیق و مبتنی بر نقد ارکانهای نظام سرمایه داری از موضع پرولتاریای انقلابی است که مفهوم آزادی را دگرگون میکند. یعنی برابری را نه فقط حقوقی بلکه و اساسا اجتماعی و اقتصادی میداند و تحقق آن بدون نفی تفاوتهای طبقاتی و جامعه طبقاتی ممکن نیست. همین امروز همه بورژوازی و حتی مرتجع ترین نیروهای سیاسی "آزادی" میخواهند و هر کسی آزادی را بنا به اهداف جنبش خودش تبیین میکند. در مورد برابری هم همین است. ناسیونالیستها "برابری ملتها و خلق ها و اقوام" را میخواهند. خواستی که تاریخا توسط بورژوازی طرح شده و اتفاقا در همان یادداشت نقد برنامه گوتا توسط مارکس از موضع انترناسیونالیسم طبقه کارگر نقد شده است. همینطور و بویژه بدنبال شکست انقلاب اکتر و عروج انواع کمونیسم بورژوائی در قرن بیستم، که چیزی جز ناسیونالیسم و رفرمیسم و دمکراسی خمیر مایه آن نبود، همه جنبشهای غیر کارگری و ضد کارگری نام سوسیالیسم و

## "برابری"

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود - برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود - برابری ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوائی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.



## کنفرانس بین المللی

### بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن



## همبستگی با مبارزات زنان در سراسر جهان برای آزادی، برابری، سکولاریسم و علیه خشونت

سکولاریسم امر زنان است، فرانسه - الجزایر

این لیست در حال تکمیل شدن است و بمحض قطعیت یافتن سایر سخنرانان به اطلاع عموم خواهد رسید.

ژورنالیست، مسئول زنان برای صلح، سوئد

ماریا رشیدی، رئیس انجمن حق زن و عضو هیات مدیره شبکه علیه خشونت های ناموسی، سوئد-ایران

بار بر این مسائل مهم و اساسی تمرکز خواهد کرد، با زنان در سراسر جهان در مبارزه شان برای آزادی، برابری، امنیت و علیه خشونت اعلام همبستگی خواهد کرد. این کنفرانس همچنین حمایت و پشتیبانی خود را از

سازمان آزادی زن و ابتکار فمینیستی اروپا بمنظور بزرگداشت روز جهانی زن، شنبه ۶ مارس ۲۰۱۰ یک کنفرانس بین المللی در شهر گوتنبرگ، سوئد برگزار میکنند. تم این کنفرانس:

**زمان کنفرانس: شنبه ۶ مارس ۲۰۱۰**

**6: Mars, Göteborgs**

**Stadsmuseum**

**Norra Hamngatan 12**

**Tid: Kl. 13.00 till 19.00**

مصاحبه مطبوعاتی: روز جمعه ۵ مارس ساعت ۲ بعد از ظهر یک کنفرانس مطبوعاتی در محل زیر برگزار میشود:

**Medusahuset,**

**Viktoriahuset samlingsaal,  
Linnégatan 21 B, 413 04  
Göteborg**

علاقمدان شرکت به کنفرانس لطفا با شهلا نوری یا آذر ماجدی تماس بگیرند.

**Tel: 0737262622**

**Shahla Nouri**

**wshahla.n@gmail.com**

**Majedi.azar@gmail.com**

آذر ماجدی، نویسنده، رئیس سازمان آزادی زن، عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا انگلستان - ایران

کریس مک کرلی، حقوقدان، فعال در عرصه کمک به زنانی که مورد خشونت ناموسی و خانوادگی قرار دارند، انگلستان

ماریا گوامان، حقوقدان در امور حقوق مهاجرت، سوئد

گیونر نیبو، رئیس آنتیکو و عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا، مقدونیه

لیلین هالس فرنج، رئیس ابتکار فمینیستی اروپا، فرانسه

ماریان هلی لوکاج، بنیانگذار "زنانی که تحت قوانین اسلامی زندگی میکنند" و هماهنگ کننده

زنان در ایران در مبارزه رود رو با یکی از زن ستیز ترین نظام های دوران معاصر، در این روزهای سخت و هیجان انگیز اعلام میکند.

سخنرانانی که تاکنون شرکت شان قطعیت یافته است:

نوال السعداوی، نویسنده و فعال سرشناس و قدیمی حقوق زن از مصر مهمان افتخاری این کنفرانس خواهد بود.

ملالی جویا، فعال سرشناس حقوق زن و عضو لویا جرگه، افغانستان

گودرون تیهه تیرگ،

نقش اساسی سکولاریسم در مبارزات زنان برای برابری، امنیت، و در مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان است.

در مقابله با عقب گرد هایی که بر حقوق و موقعیت زنان تحمیل شده، زنان باید متحدانه اعلام کنند: "دیگر بس است" و برای تغییر جهان متحد شوند. یک ابزار مهم بسیج و سازماندهی یک جنبش قوی برای دستیابی به این اهداف، گردآوردن فعالین از گوشه و کنار جهان بمنظور تبادل تجارب و دیدگاه ها است. در مارس ۲۰۰۹ ما یک کنفرانس بسیار موفق، با عنوان "چرا سکولاریسم ضروری است؟" در گوتنبرگ سازمان دادیم تا بحث در مورد اهمیت سکولاریسم برای جنبش آزادی زن را گسترش دهیم. کنفرانس بین المللی در اسکوپیه، مقدونیه، در اکتبر ۲۰۰۹، بیش از صد فعال را از سراسر جهان گرد هم آورد تا به این مسائل بپردازد، به همبستگی در جنبش دامن زند و امر تحقق این خواست ها را به پیش برد. کنفرانس یک فراخوان برای گسترش مبارزه علیه "میلیتاریسم، پاتریارکی و حاکمیت مذهب" صادر کرد.

کنفرانس ۶ مارس ۲۰۱۰ دگر

# آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



## فولاد مبارکه اصفهان

اعتصاب کارگران گرسنه، حقوقهای نجومی مدیران

## پرداخت خسارت

به یک کارگر پالایشگاه اصفهان

کارگرانی که هر روز قربانی "سوانح کار" میشوند در کشورهایی که طبقه کارگر توانسته است درجه ای از حقوق و حرمت خود را به سرمایه داران تحمیل کند امری نسبتاً عادی باشد. اما در ایران که هر روز کارگران در قتلگاههای سرمایه کشته و دچار نقص عضو میشوند و پرونده شان را مزدوران اداره کار ماستمالی و کارگر را بدلیل "رعایت نکردن" موارد ایمنی "مقصر" قلمداد میکنند، این اقدام پالایشگاه اصفهان یک عقب نشینی محسوب میشود. با اینحال درد و رنجی که این کارگر و هزاران کارگر قربانی محیط کار ناامن همراه با خانواده هایشان برای مدت طولانی، و چه بسا تمام عمر میکشند، با هیچ خسارت مادی قابل جبران نیست.

نفس بهبود و بازیابی سلامتی نسبی این کارگر و جان بدر بردنش مایه خوشوقتی همکاران او در پالایشگاه اصفهان و مدیون کسانی مانند محمد علی بهرامی است که نامش و جسارتش در تاریخ این پالایشگاه حک شده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۴ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۳ فوریه ۲۰۱۰

سال گذشته، اواخر مهر و اوائل آبان ۸۷، در پالایشگاه اصفهان هنگام اجرای پروژه اور- هال، بدلیل تلاش پیمانکاران و مسئولین پالایشگاه برای ارزانتر تمام کردن پروژه و عدم رعایت استانداردهای امنیتی یعنی خالی کردن موارد آتشزرا، هنگام کار چند تن از کارگران دچار حادثه آتش سوزی مهیبی شدند. ناگهان محیط بزرگی با چتری از آتش و انفجار روبرو شد. محمد علی بهرامی کارگر با سابقه آتش نشانی پالایشگاه اصفهان که برای نجات همکارانش از جانش مایه گذاشت، دچار سوختگی شدید شد و متأسفانه بعد از مدت کوتاهی جان باخت. یکی دیگر از کارگران که دچار سوختگی شدید شده بود و دکترها امیدی به بهبودش نداشتند بعد از مدتها معالجه خوشبختانه جان سالم بدر برد.

بنا به خبری که اخیراً دریافت کردیم پالایشگاه اصفهان مبلغی معادل ۴۳ میلیون تومان بعنوان خسارت به این کارگر پرداخت کرده است و وی را به استخدام بخش حمل و نقل پالایشگاه درآورده است. خوشبختانه عمده زخم های ناشی از آتش سوزی این کارگر مداوا یافته با این حال نشانه ها و ردپای این فاجعه بر بدن و روان وی برای همیشه باقی مانده است.

شاید پرداخت خسارت به

اولتیماتوم دادند و تا ۱۰ بهمن ماه با آنها فرصت دادند تا به وضعیت شغلی و معیشتی کارگران پاسخ دهند. در ۱۱ بهمن کارگران واحدهای فولادسازی بصورت هماهنگ وارد اعتصاب شدند. کارگران واحد نورد گرم ۵۱ و واحد نورد سرد ۵۲ و واحد ۵۳ متحده دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از صبح تا ساعت ۱۱ ظهر طول کشید که با دخالت حراست و وعده وعیدهای مجدد کارفرماها، کارگران اعتصاب را خاتمه دادند. طی وعده های مدیران حراست و مدیران فاسد فولاد مبارکه قرار شده که در تاریخ ۱۰ اسفند مجدداً به وضعیت کاری کارگران رسیدگی شود.

### کارگران!

این نظام سرمایه داری است که تفاوت های طبقاتی را به اوج رسانده است. تمام جناح های سرمایه روی دوش استثمار و حشیا نه کارگران و تحمیل بردگی مطلق میتوانند سرپا باشند. این نظام و این وضعیت را باید درهم کوبید. این مناسبات استثمارگرانه را باید ملغی کرد. تنها انقلاب طبقه ما، انقلاب کارگری میتواند این دنیای وارونه و ضد کارگر و ضد انسانی را عوض کند. متشکل شوید، شوراهايتان را برپا کنید، برای سرنگونی ارتجاع سرمایه داری اسلامی آماده شوید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۴ فوریه ۲۰۱۰

بنا به خبر دریافتی، مدیران ارشد فولاد مبارکه بابت استثمار بیرحمانه و وحشیانه کارگران در بدترین شرایط ناامن کاری، ماهیانه ۱۸۰۰۰۰۰۰ تومان حقوق دریافت میکنند. این در حالیست که کارگران فولاد مبارکه بخصوص کارگران پیمانی پائین ترین حقوق را دریافت میکنند. این فساد مالی و دریافتیهای کلان دیگر باعث شده که مدیران با طرخی که قرار شده بود بخشی تعدادی از کارگران پیمانکاری بطور مستقیم زیر نظر شرکت فولاد مبارکه قرار گیرند مخالفت کنند. چون از بابت اجرای این قرارداد و طرح شرکتیهای پیمانی فعالیت شان محدود و بالطبع دیگر از رشوه های کلان برای مدیران خبری نیست.

### اعتصاب کارگران فولاد مبارکه

در برهه نمایش انتخابات نیروهای ضد کارگر حکومتی برای فریب کارگران، مخصوصاً کارگران پیمانکاری که از نظر نامنی کار در بدترین شرایط روانی بودند، وعده شغلی بهتر دادند. بدینصورت که منبع کارگران بجای اینکه طرف قرارداد با شرکتیهای پیمانی باشند مستقیماً با شرکت فولاد مبارکه قرارداد خواهند بست و بنا به گفته خود مسئولین حقوق کارگران بیشتر خواهد شد. اما با گذشت مضحکه انتخابات نه تنها این کارگران از نظر قرارداد بلا تکلیف ماندند بلکه حقوقها پائین تر هم آمد. کارگران در اعتراض به این خلف له مدیران و کارفرماها

## مجمع عمومی کارگری

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است! جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!

آدرس جدید وب سایت حزب

[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

لطفاً به اطلاع عموم برسانید!

## برشی رادیکال

در حاشیه تظاهراتی خارج کشور

سیاوش دانشور



سوسیالیستی برای آینده ایران دفاع کنید. این پرچمی است که شما را در جناح چپ جامعه غربی قرار میدهد و به حرکت انقلابی و مبارزه پرشور کارگران و زنان و نسل جدید در ایران نیرو میدهد.

تظاهرات این هفته در استکهلم مقابل سفارت رژیم اسلامی و تظاهراتی دیگر در خارج کشور راه را نشان داده اند. متشکل شوید. شوراها را برپا کنید و همه جا به شوراها بپیوندید. قطب سرخ ها تنها آلترناتیو مبارزه انقلابی و توده ای در خارج کشور است.\*

امید به اینکه دولتها برای تحقق سر سوزنی از آزادی در ایران جانب اعتراض مردم را بگیرند گذشته است. هیچ دولت بورژوائی از منفعت خود نمیگذرد و جانب جنبش آزادیخواهی را نمیگیرد. باید به نیروی خود در پائین مکی شویم. تنها این سیاست است که میتواند بالائی ها را دچار تردید کند و بدرجه ای در سیاست شان موقتا تجدید نظر کنند. دوران آوردن و بردن عناصر مرتجع حکومت اسلامی و زیر نور بردن آنها بعنوان "نمایندگان مردم و اپوزسیون" گذشته است. دوران قالب کردن پرچم ارتجاع اسلامی بعنوان "گرین محیط زیستی" و مدافع حقوق بشر!؟ (بیچاره بشر) به سر آمده است. پرچم و سمبل ایندوران پرچم سرخ طبقه کارگر بین المللی است. پرچم ایندوران سیاست رادیکال و سرنگونی طبانه و جمع کردن بساط جمهوری اسلامی در خارج کشور است. همه جا شوراها را برپا کنید. پرچم سرخ را با افتخار دستتان بگیرید، علیه کلیت حکومت اسلامی بمیدان بیایید و از مبارزه آزادیخواهانه و راه حل

و بیدادگاههای فرمایشی برایشان راه می اندازند، از تنوری "آخوند مسالمت جو و قانونگرا و دگراندیش" دفاع کرد؟ چه کسی دیگر نمیداند که سیاست تریبون دادن رسانه ها و دولتها به سخنگویان دست چنم حکومتها در خارج سرمایه گذاری و شرط بندی روی اسب بازنده است؟ چه کسی نمیداند بحث "انتخابات آزاد" که جناب خامنه ای باید آنرا برگزار کند یک کلاهبرداری سیاسی و حرف مفتی بیش نیست؟ امروز سرنگونی طلبی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده است و خارج کشور نمیتواند راه دیگری برود.

ترددی نیست در خارج نیز انواع چاله و مانع و خاکریز مقابل انقلابیون میگذارند. از پرونده سازی پلیسی برای آنان تا ایفای نقش پلیس دولتهای فحیمه غربی درست مانند اوباش حزب الله در باتوم زدن و گاز فلفل پاشیدن و کتک زدن و دست و پا شکستن موارد اخیر است. دولتهای مرتجع غربی که به چیزی جز سود سرمایه هایشان در حال و آینده فکر نمیکنند بدون تردید موافق روند رادیکالیزه شدن اوضاع در ایران نیستند و با الفاظ خودشان حرکت رادیکال ایرانیان خارج را "غیر قانونی" و "خشن" مینامند و عملکرد وحشیانه پلیس را "انجام وظیفه" نام میگذارند! زمانی که در ایران سیاست حفظ نظام ورشکسته میشود چگونه طرفداران این رژیم آدمکش از هر جناحش میتوانند ژست بگیرند و ادای دمکرات جهان سومی در بیاورند؟ چه کسی نمیداند که پشت این مانورها و الفاظ کدام سیاستها و منافع کدام طبقات اجتماعی خوابیده است؟

ایرانیان خارج کشور!

دوران سیاست لابیگری پارلمانی و

حزکتی که تابستان گذشته با تسخیر سفارت رژیم در استکهلم شروع شد امروز در متن اوضاع متحول ایران نتایج سیاسی اش ببار نشسته است. در خارج کشور شاهد برشی رادیکال در سیاست و تاکتیک هستیم که تعرض به پایگاههای حکومت اسلامی به نرم تبدیل میشود و سیاست های پخته و دست راستی که فقط هدفش را باز کردن پای حکومت اسلامی در خارج کشور قرار داده بود حاشیه ای و منزوی میشوند. ترددی نیست تا به نیروهای انقلابی برمیکرد همواره این پرچم و این سیاست وجود داشته است. اما تا به دوره اخیر و رویدادهای ایران ۸۸ برمیکرد حرکت تابستان گذشته نقطه عطف یکدوره جدید بود که فضای خارج کشور را قطبی کرد.

تظاهراتی هفته اخیر در خارج بر این واقعیت تاکید میکند و باید منتظر جوش و خروش بسیار وسیع تر و توده ای تر برای جمع کردن بساط رژیم اسلامی در خارج کشور بود. دوران کسانی و خطی که مردم را به شرکت در مضحکه انتخابات فرا میخواندند، عوامل رژیم و "دگر اندیشان" دیروز پاسدارشکنجه گر را برای سخنرانی دعوت میکردند، و زیر چتر "دفاع از آزادی بیان" و دمکراسی علیه رادیکالها و سرنگونی طلبان و کمونیستها کمپین ترور شخصیت راه می انداختند گذشته است. امروز رسانه ها با سر و کله دنبال کسانی اند که حرف متفاوتی میزنند و عمل متفاوتی دارند. آخر چطور میتوان در شرایطی که عوامل رژیم اسلامی جلوی چشم دنیا به جوانان در زندان تجاوز میکنند، در خیابانها به گلوله شان میبندند و زیر باتوم و چماق له شان میکنند، در زندانها چوبه دار

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## ویدئو بلاگ آذر ماجدی و علی جوادی را در باره مسائل سیاسی ایران و جهان ببینید!



[www.wupiran.org](http://www.wupiran.org)

## تظاهرات کوبنده در مقابل سفارت رژیم اسلامی در استکهلم

قطعهنامه شورا در تظاهرات ۱۱ فوریه

سرنگون باد جمهوری اسلامی،  
زنده باد انقلاب کارگری!

ارتجاعی جمهوری اسلامی را مانند خس و خاشاک کنار میزند و ماشین دولتی جنایت و کشتارش را در هم خواهد کوبید.

۴- شورا مخالف مجازات اعدام است. اعدام قتل سازمانیافته و عمد دولتی است. ما برای لغو بیقید و شرط مجازات اعدام مبارزه میکنیم. زندان، شکنجه اعدام الغی باید گردد.

۵- شورا از تلاش خانواده های زندانیان سیاسی و مردم آزادیخواه در مقابل زندان اوین و دیگر زندانهای رژیم جنایتکار اسلامی قویا حمایت میکند و همصدا با جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی برای آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، لغو مقوله "جرم سیاسی"، و برچیدن زندانهای سیاسی مبارزه میکند.

۶- شورا خود را بخشی از مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران میداند و برای سرنگونی نظام ارتجاعی اسلامی سرمایه داران و برقراری جامعه ای آزاد و برابر سوسیالیستی مبارزه میکند. ما ایرانیان آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی را به متشکل شدن در شورا و حمایت از راه حل کارگری در ایران فرا میخوانیم. به قطب سرخ ها بپیوندید!

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

**شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران**

۲۲ بهمن ۸۸

website:

[www.shora.se](http://www.shora.se)

mail:

[shoraye1@gmail.com](mailto:shoraye1@gmail.com).

شماره تلفن شورا

0701502011

۱- سفارتخانه ها و کنسولگریها و مراکز متفرقه "فرهنگی" جمهوری اسلامی در خارج کشور، مراکزی برای سازماندهی جاسوسی و توطئه و ترور علیه



مخالفین سیاسی است. ما برای برچیدن و بستن کلیه مراکز جمهوری اسلامی و جارو کردن بساطش در خارج کشور مبارزه میکنیم. ما مردم آزادیخواه و انقلابی بزودی پرچم تنگین جمهوری اسلامی را پائین میکشیم.

۲- جمهوری اسلامی حکومت سه دهه جنایت علیه مردم بی دفاع و مخالفین سیاسی است. سران و کاربدستان سه دهه جنایت باید در دادگاههای عادلانه و علنی و منتخب مردم محاکمه شوند.

۳- جمهوری اسلامی برای ارباب جامعه سیاست اعدام و ترور را شدت بخشیده است. ما محاکمات نمایشی، صدور احکام زندان و اعدام در بیدادگاههای رژیم، و اعدام مخالفین سیاسی را قویا محکوم میکنیم. مبارزه گسترش یابنده انقلابی نه تنها سیاست ارتجاعی اعدام را با شکست روبرو میکند بلکه این تشبثات

مسئولین تظاهرات گفتگو کردند. شرکت کنندگان نیز خبر کشمکش و فضای ملتهب و عصبانی را مرتباً به رادیوها و کانالهای مختلف گزارش میدادند. تظاهرات با قرائت قطعهنامه شورا در ساعت ۴ رسماً پایان یافت.

امروز ۱۱ فوریه به فراخوان شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران، بیش از ۷۰۰ نفر در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم اجتماع کردند. پلیس تمام ورودیهای به سفارت را بسته بود و مانع ورود اتومبیلها میشد. میزان نیروی پلیس برای حفاظت از این مرکز تروریستی بیسابقه بود. بیش از ۲۰ ماشین پاترول پلیس، یک واحد بزرگ پلیس مجهز به انواع گاز و سگ آورده بودند تا مانع وارد شدن تظاهرکنندگان به داخل سفارت شوند.

از همان ابتدا تظاهرات با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم، این لانه جاسوسی تعطیل باید گردد، این لانه جاسوسی تسخیر باید گردد، و ... شروع شد. تظاهر کنندگان که مرتباً تعداد آنها افزایش می یافت بعد از دقایقی به طرف سفارت حرکت کردند. پلیس با استفاده از گاز اشک آور و گاز فلفل و سگ و زدن باتوم به مقابله پرداخت. طی چند ساعت بارها تظاهرکنندگان تلاش کردند سد پلیس را بشکنند و هر بار با هجوم پلیس که مرتب تعداد آنها افزایش می یافت روبرو شدند. هلیکوپتر پلیس نیز صحنه را در کنترل داشت. پلیس به صورت بیش از ۴۰ نفر از تظاهر کنندگان گاز فلفل پاشید، با باتوم دست و انگشت دو نفر را شکست، و حداقل ۲ نفر، یک زن و یک مرد را دستگیر کردند.

شورای دفاع از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم، از شرکت پرشور ایرانیان آزادیخواه در اجتماع امروز تشکر میکند. روحیه رزمنده موجود در تظاهرات که خواهان تسخیر و بستن این مرکز ترور اسلامی بود، نشانگر سمت و سوی فضای سیاسی در خارج کشور است. ما تضمین میکنیم که بزودی مراکز جاسوسی رژیم اسلامی را خواهیم بست.

مشروح گزارش، فیلمها و عکسهای تظاهرات بزودی در سایت شورا منتشر میشود.

\*\*\*

در این تظاهرات چند سازمان چپ سوئدی نیز شرکت داشتند و پیام همبستگی خود را با مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران اعلام کردند. کانالهای تلویزیون سوئد، رادیو بی بی سی، رادیو پژواک، و برخی رادیوهای محلی با



کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران

**تظاهرات بر علیه حضور مشاور فرهنگی سفارتخانه رژیم اسلامی!**

**تورنتو\_ کانادا ۱۴ فوریه ۲۰۱۰**

با فراخوان "کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی" به مسئولیت هما ارجمند، در تاریخ ۱۴ فوریه تظاهرات قدرتمندی علیه حضور مشاور فرهنگی سفارتخانه رژیم اسلامی در مقابل "جامعه اسلامی منطقه نورت یورک" در ریچموند هیل برگزار شد. دهها فعال اپوزیسیون جمهوری اسلامی زیر برف و سرمای شدید ساعت ۶ عصر در مقابل "جامعه اسلامی منطقه نورت یورک" که در منطقه ای خارج از شهر واقع شده است گرد آمدند و با شعارهای کوبنده علیه رژیم اسلامی انزجار و خشم خود را نسبت به جمهوری سرکوب و جنایت و این تشکل جیره خوار ارتجاع اسلامی نشان دادند.

"جامعه اسلامی منطقه نورت یورک" با برگزاری کنفرانسی تحت نام "جنگ رسانه ها علیه اسلام" و با دعوت حمید محمدی، مشاور فرهنگی رژیم در سفارت جمهوری اسلامی در اوتاوا و به اضافه چند "محقق" و "فعال ضد جنگ" و فعال حماس در تلاش بود در شرایطی که حرکت گسترده ای جهت ایزوله کردن رژیم اسلامی به مناسب ۲۲ بهمن در سطح دنیا و در خود تورنتو در جریان بود، کوشش داشت که برای اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی آبروی نداشته را حفظ و یا باز خرید کند. اما افشاگری این حرکت و فراخوان تظاهرات علیه این کنفرانس که از چند روز قبل جریان داشت و وسیعاً پخش و بدست شبکه ای از رسانه های کانادایی و ایرانی رسیده بود، عملاً این سازمان ارتجعی و رژیم اسلامی را هر چه بیشتر منفور و بی آبرو ساخت. بخصوص تظاهرات قدرتمند و کوبنده گروهها و سازمانها اپوزیسیون در روز کنفرانس به این جماعت نشان داد که مردم جان به لب رسیده حضور عوامل رژیم را در هیچ جا و تحت هیچ عنوانی تحمل نخواهند کرد و حامیان این رژیم هم از زیر ضربات اعتراضات و افشاگریهای آزادیخواهان در امان نخواهند ماند.

در این روز همچنین تظاهرات کنندگان خشمگین عزم بر این داشتند که در سالن کنفرانس حضور بهم رسانند و ضمن افشاگری از برگزار کنندگان برنامه، مانع سخنرانی عامل سفارتی رژیم گردند ولی بخاطر حضور وسیع پلیس و ممانعت آنان، این تصمیم به اجرا درنیامد.

کمپین بین المللی بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی

۱۶ فوریه ۲۰۱۰

[www.closedowniranianembassies.com](http://www.closedowniranianembassies.com)

[homawpi@closedowniranianembassies.com](mailto:homawpi@closedowniranianembassies.com)

در صف مقدم روز جهانی تورنتو- کانادا

## ۸ مارس روز جهانی زن،

**جنبش برابری زنان در سطح جهانی باید پایان دادن به عمر حکومت آپارتاید جنسی را در دستور خود بگذارد!**

جمهوری اسلامی بخاطر سه دهه زن آزاری، بخاطر تحمیل آپارتاید جنسی، بخاطر تحمیل حجاب اسلامی، بخاطر توحش علیه زنان باید به زیر کشیده شود.

مردم در ایران در جریان به اجرا درآوردن این حکم اند. میلیونی به خیابانها آمده اند تا این رژیم سرکوب و جنایت را به زیر بکشند. زنان و جنبش برابری زنان همه جا در راس این اعتراضات اند.

جنبش برابری زنان در سطح جهان از آنچه بر زنان در ایران میروید مطلع اند و تا حال در حمایت از مبارزات آزادیخواهانه جنبش برابری زنان هیچ کوتاهی نکرده اند. اما امروز زمان آن فرا رسیده که هم زمان با مردم ایران و با زنان در ایران در کار پایان دادن به عمر حکومت آپارتاید جنسی برآیند.

با شرکت گسترده و میلتانت در اجتماعات و تظاهراتی روز جهانی زن، خواست زنان در ایران خواست بزیر کشیدن رژیم اسلامی را باید به خواست این اعتراضات بدل کنیم. زنان و همه آزادیخواهان در این روز در سطح جهانی باید يك صدا حکم به رفتن رژیم اسلامی بدهند.

**زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن، روز همبستگی بین المللی جنبش برابری زنان**

**مرگ بر رژیم آپارتاید جنسی، مرگ بر جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

حزب اتحاد کمونیسم کارگری\_ تشکیلات کانادا

۱۶ فوریه ۲۰۱۰

زمان و مکان اجتماع و تظاهرات:

**Saturday, March 6, 2010**

**Rally - 11:00am (OISE Auditorium, 252 Bloor St. W @ St. George Subway Station)**

**March - 1:00pm**

**Fair - 1:30pm (Ryerson University, 55 Gould St.)**

**نابود باد نظام**

**آپارتاید ضد زن اسلامی!**

۲۲ بهمن،

## تهران در سرکوب، تهران در تعرض!

نازنین اکبری

پلیس ضد شورش چندین هزار نفری تا پاسی از شب مستقر و در حال آماده باش بودند. در روز 22 بهمن در سعادت آباد، بلوار فرحزادی یک کیوسک نیروی انتظامی توسط جوانان معترض به آتش کشیده شد. از هفته پیش برنامه های انواع کانالهای تلویزیونی ماهواره ای خبری فارسی زبان بر اثر پارازیت سنگین برنامه هایشان قطع شده، اینترنت، جی میل و یاهو قطع شده و همچنین از بیستم بهمن ماه در برخی از مناطق تهران از جمله منطقه آتی ساز یورش و خانه گردی پاسداران حکومتی برای جمع آوری آنتن های ماهواره شروع شده است و مردم را تهدید نموده اند جریمه نقدی داشتن هر آنتن ماهواره یک میلیون و پانصد هزار تومان است. البته این گستاخی حکومت با اعتراض و مقاومت مردمی روبرو شده است.

امروز 25 بهمن ماه از 10 روز پیش تاکنون شهر به حالت حکومت نظامی اعلام نشده درآمده، به محض تاریک شدن هوا اکیپهای ایست و بازرسی متشکل از پاسداران و بسیجی ها و دیگر مزدوران سرکوبگر در میدان، خیابانها و چهارراههای اصلی شهر تا صبح روز بعد مستقرند. شهر توسط یگانهای سپاه کنترل و بازرسی میشود. با اینحال جوانان و مردم برای تهاجمی کوبنده تر و گسترده تر علیه حکومت جنایتکار اسلامی برای چهارشنبه سو ری آماده میشوند

25/11/88

جنایت و سرکوب نیروی انتظامی در این روز بیش از 120 هزار نفر از انواع نیروهای خود فروش و سرکوبگر برای سرکوب اعتراضات مردمی از ساعت 5 صبح در کلیه میادین و خیابانها و مراکز حساس شهر تهران مستقر شده اند. رژیم در هراس از گسترش اعتراضات مردمی حتی نیروهای در حال آموزش را از پادگانها به خیابانها گشائیده است. علاوه بر این از پرسنل راهنمایی و رانندگی نیز استفاده شده است. حکومت اسلامی با اعلام قبلی از مزدوران و اوباش بسیجی خواسته بود تا در ساعات اولیه صبح در مساجد و مراکز و پایگاههای بسیج حاضر باشند. از قبل هم اتوبوسهایی برای حمل فوری اوباش بسیجی در مراکز شهر تهران حاضر شده بودند. در این میان تعدادی از اوباش بسیجی در اسلام شهر که در هراس از خشم انقلابی مردم و مشاهده حکومت در حال سقوط دچار تردید و ابهام شده بودند از جانب پاسداران و مسئولین بسیج تهدید شده اند که کارت بسیجشان را ابطال خواهند نمود.

در روز 22 بهمن خیابانها و میادین اصلی تهران از جمله میدان انقلاب، خیابان کارگر شمالی، امیرآباد، میدان ونک و... صحنه حضور تجمعات گسترده ضد حکومتی بوده است. در این روز حضور نیروهای ضد شورش و مسلح به همه تجهیزات مشهود و بسیار سنگین بوده است. پل ستاری به سمت شهرک اکباتان، میدان آزادی از اتوبان جناح به سمت آریاشهر و از جناح ورودی اتوبان کرج تا پارک چیتگر انواع

مزدوران فراری در میان شعله های خشم و اعتراض جوانان و مردم انقلابی به آتش کشیده شد. در این اثنا دسته های بیشماری از انواع مزدوران حکومتی و پلیس ضد شورش بلافاصله وحشت زده و هراسان خود را به محل رسانیده و درگیری و زد و خورد در این محل تا حوالی ساعت 30/11 همچنان ادامه داشت. در این محل بیش از 50 نفر از جوانان و مردم معترض دستگیر شده و توسط خودروهای مخصوص پلیس ضد شورش به مکان نامعلومی منتقل شدند.

در همین لحظات در فلکه دوم آریاشهر در حالیکه این منطقه توسط دسته های چندین هزار نفری پلیس ضد شورش قرق شده بود تجمعات مردم و جوانان در دسته های چندین هزار نفری با شعارهای ضد حکومتی در اطراف و گوشه و کنار میدان مشهود بود. در فلکه دوم آریاشهر بیش از چندین هزار نیروی سرکوبگر و آماده در خیابانهای اصلی و فرعی و حتی کوچه ها مستقر بودند. ورودی بلوار کاشانی از سمت آریاشهر نیز توسط پلیس ضد شورش کاملاً بسته شده بود. این اوضاع در منطقه آریاشهر تا پاسی از شب همچنان ادامه داشت.

در منطقه باغ فیض و خیابان باهنر و خیابان پیامبر در ساعت 3 بعدازظهر با آنکه هزاران پلیس مزدور ضد شورش مستقر بود مردم و جوانان در دسته های بسیار گسترده با شجاعت و روحیه تهاجمی درخور تحسین در حالیکه بر روی پلهای رو گذر ایستاده بودند شعار میدادند مرگ بر دیکتاتور، اتل مثل توتوله، مرگ بر دیکتاتور کوتوله!

بنا به اعلام منبع موثقی در ارگان

علیرغم تمام پیش بینی ها و تدابیر شدید امنیتی حکومت اوباش اسلامی از هفته ها پیش برای کنترل و سرکوب هر گونه تحرکات اعتراضی و انقلابی جوانان و مردم در روز 22 بهمن، در این روز بر اثر تجمعات، اعتراضات و تظاهراتی ضد حکومتی از همان ساعات اولیه روز کنترل او ضاع از دست حکومت اسلامی و مزدوران وحشت زده اش خارج شد. در این روز مردم و جوانان با تظاهرات و برگزاری تجمعات متعدد اعتراضی عزم جزم خود را تا نابودی کامل حکومت اسلامی این جرثومه قتل و شکنجه و فساد و دزدی به نمایش گذاشتند. در این روز فلکه دوم آریاشهر و بلوار فردوس شاهد پرشورترین صحنه های اعتراضات مردمی و ضد حکومتی بوده است. در ساعت 10 صبح در بلوار فردوس، خیابان ولیعصر جنب ایستگاه مترو آریاشهر دهها نفر از اوباش بسیجی و پاسدار ضمن یورش و ضرب و شتم وحشیانه زن میانسانی اقدام به دستگیری تعدادی از دختران و پسران جوان نموده و آنها را برای انتقال به مراکز سرکوب حکومتی تحویل کیوسک نیروی انتظامی مستقر در محل میدهند.

هزاران نفر از جوانان و مردم معترض که شاهد این صحنه های جنایت و سرکوب بودند به خشم آمده با شعارهای ضد حکومتی مرگ بر دیکتاتور و... به کیوسک نیروی انتظامی حمله ور شدند. مزدوران انتظامی مستقر در کیوسک در حالیکه به شدت ترسیده بودند پا به فرار گذاشتند. کیوسک اوباش سرکوبگر به تصرف مردم درآمد. پس از آزاد نمودن زن میانسال و دختران و پسران بازداشت شده کیوسک و موتورسیکلت بر جای مانده از

به کمپین

بستن سفارتخانه های

جمهوری اسلامی پیوندید!

## کارگران شرکت زیر ساخت گستر

اخراج و دستمزدهای پرداخت نشده!

بنا به خبر دریافتی، 50 نفر از کارگران شرکت زیر ساخت گستر با وجود پیگیریها و اعتراضات مداوم خود بعلت کار شکنی سرمایه داران و کارفرما تا این لحظه موفق به دریافت دستمزدها و مبالغ مربوط به انجام اضافه کاری آنر و دیمه خود نشده اند. جواب همیشگی کارفرما به کارگران تهدید به اخراج، نداریم و نیست، باید صبر کنید و غیره است. ماه گذشته نیز 6 نفر از کارگران بی هیچ عذر و بهانه ای حتی بی آنکه دستمزدهای معوق خود را دریافت نمایند از کار اخراج شده اند!

یکی از کارگران میگفت دستمزدهای پرداخت نشده به جای خود، خطر اخراج و بیکاری با این قراردادهای موقت و کذابی یک طرفه هم به جای خود، هیچ معلوم نیست که میخواهند با دستمزدها، سنوات و عیدی پایان سال ما چکار کنند!

آنچه روشن و مسلم است سرمایه داران جنایتکار و حکومت اسلامی پادوشان سالهاست تصمیم خود را گرفته اند. استثمار وحشیانه از کارگران خاموش و غیر متشکل، اعمال فشار روزافزون کاری و اقتصادی تا انهدام و تلاشی کارگران و خانواده هایشان! زندگی، آرزوها و خواستههای انسانی و ابتدایی ما کارگران و خانواده هایمان برای سرمایه داران و حکومت اسلامی پشیزی ارزش ندارد.

# کارگران!

## علیه سرمایه داری بپاخیزید!

## کشتار در کارخانه، کشتار در خیابان

قتل یک کارگر، نقض عضو یک کارگر

تاریخی که بارنج و خون نوشته شده است. تاریخی که یکسوی آن تیرباران کارگران کمونیست و مبارز در پرتلاشها و اوین ها و خاتون آبادها است و سوی دیگر آن در محیطهای ناامن کار. در ایران اما سرمایه داران از قتل و جنایت کارگران در محیطهای کار لذت بخصوصی میبرند. طبقه شرافتمند کارگر تاریخا قربانی ناشرافتمندان سرمایه دار بوده است. این نظام جهنمی که نفرین ابدی را بر طبقه ما روا داشته است و در اینراه اختاپوس مذهب و ناسیونالیسم و خیل مزدوران ضد کارگر را بسیج کرده است، فقط به سود و سود می اندیشد. ارزش کارگر در جان کندن برای سرمایه است و البته فقط تا زمانی که میتواند جان بکند.

حزب به همکاران و بستگان این کارگر جان باخته صمیمانه تسلیت میگوید و همدردی عمیق خود را با خانواده این کارگران اعلام میدارد. این جنایت مستمر علیه طبقه ما اگر حقیقتی را گواهی میدهند اینست که باید تومار این نظام را بدست قدرت متحد طبقه کارگر برچید. کثافات سرمایه داری پایانی ندارد و کارگران قربانیان خط مقدم اند. این دور باطل را باید پایان داد و این امر انقلاب کارگری است. مرگ بر سرمایه داری که تاریخ آن با خون و جنایت تنیده شده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ بهمن ۱۳۸۸ - ۱۷ فوریه ۲۰۱۰

## مرگ بر سرمایه داری!

بنا به خبر دریافتی، یک کارگر در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان موقع کار با بالابر به سقف کارگاه می چسبد و در جا جان می سپارد!

بنا به خبر دیگری در کارگاه فن های پالایشگاه اصفهان دست یک کارگر از کتف قطع شده است. کار 4 نفر را یک نفره انجام داده و موقع تعویض شیلنگ آب تیغه فن تهویه دست این کارگر را از کتف قطع کرده است! متأسفانه هویت دقیق این کارگران در خبر ارسالی نیامده است.

این اخبار که روزانه در گوشه گوشه قصابخانه های مدرن و غیر مدرن کار در ایران رخ میدهد گوشه ای از جنگ اعلام نشده سرمایه علیه طبقه ماست. جنگی که قربانیانش از هر جنگ گرم و اعلام شده بمراتب وسیع تر است. جنگی که حتی دادگاهی فرمال را برای قاتلین سرمایه دار موجب نمیشود و شاکیان و بازماندگان را به قعر جهنمی هولناک تر سوق میدهد. نظام منحطی که قاتلین سرمایه دار بیرحم و رذل در آن عالیجناب و قابل احترام اند و کارگران این بردگان مزدی بی سرو پا خوانده میشوند! کارگر را گرسنه، بدون قرارداد، بدون کوچکترین تامین اجتماعی و بیمه، با دستمزدی بسیار پائین که آنهم ماهها پرداخت نمیشود، در محیطی که هر لحظه ممکن است قربانی شود بکار میگیرند. اسم این مراکز "محیط کار" است و اسم این تراژدیها "سوانح کار"! اما میدان اعدام و قصابخانه و قتل عمد معادل بهتری برای آنهاست. این تاریخ واقعی طبقه ماست.

# زنده باد شوراها

ارگانهای اعمال اراده توده ای را همه جا برپا کنید!

مصوب دفتر سیاسی حزب

## منشور

# آزادی، برابری و رفاه

مصوب دفتر سیاسی حزب ۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

## آزادی

۱- سکولاریسم: جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشاء مذهبی دارند. آزادی مذهب و بی مذهبی.

۲- آزادی بیان: آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب.

۳- آزادی تمامی زندانیان سیاسی: لغو مقوله "جرم سیاسی"، لغو مجازات اعدام، ممنوعیت شکنجه و یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم و روان افراد.

۴- آزادی پوشش: آزادی بی قید و شرط انتخاب نوع پوشش.

۵- محاکمه تمامی آمرین و عاملین جنایت توسط دادگاههای منتخب و عادلانه مردم.

## برابری

۶- برابری زن و مرد: برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو حجاب. لغو جدا سازیها و آپارتاید جنسی.

۷- برابری حقوقی: برابری کامل حقوقی همه شهروندان، صرفنظر از جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت.

## رفاه

۸- حداقل دستمزد: تعیین حداقل دستمزد مکفی توسط نمایندگان تشکل های سراسری کارگری. در شرایط کنونی حداقل دستمزد باید یک میلیون تومان باشد.

۹- بیمه بیکاری: پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار و آماده به کار. پرداخت بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی.

۱۰- طب و درمان رایگان و قابل دسترس، آموزش رایگان در تمامی سطوح، تامین مسکن مناسب برای همگان: هزینه مسکن نباید از ده درصد درآمد فرد یا خانواده بیشتر باشد.

۱- بار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات عظیم و تاریخی قرار گرفته است. مردم آزادیخواه حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و هم اکنون دست بکار بزرگ کشیدن آن هستند. پیشروی مبارزات توده های بپاخواسته مردم و تحقق سرنگونی رژیم اسلامی بشکلی سازمانیافته و در سریعترین و کم مشقت ترین شکل در گرو ساختن ارگانهای مبارزاتی و اعمال اراده توده ای مردم، شوراها، در سراسر جامعه است.

۴- طبقه کارگر باید بسرعت شوراها را ایجاد کند. شوراها امر اتحاد صفوف کارگران، تامین استقلال طبقاتی و اتخاذ سیاست کنترل کارگری را تسهیل میکند. شوراها امکان حضور طبقه کارگر بعنوان رهبر شایسته جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را فراهم میآورد. کارگران سوسیالیست باید پیشرو ایجاد شوراها در محیط زیست و کار باشند.

۵- شوراها محلات در شرایط امروز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تجربه عملی همین دوره نشان میدهد که محلات و تجمعات مبارزاتی در آن، پایه سازماندهی حرکات اعتراضی وسیع و بویژه تظاهرات شبانه است. باید کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی و نیروی سرکوبگر آن خارج کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری، کارگران و مردم زحمتکش را به برپائی شوراها فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ ژوئن ۲۰۰۹

۲- یک هدف شوراها گرفتن بخش هر چه وسیعتری از قدرت توسط توده کارگران و مردم است. این ارگانها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی و آزادیخواهانه، اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش و نفی قدرت سرمایه و جمهوری اسلامی است. شوراها همچنین از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند. باید همه جا، در محیط زیست و کار در سطح محلی و سراسری شوراها را سازمان داد.

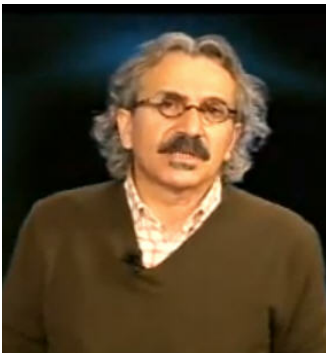
۳- شورا کاراترین، مناسبترین و ساده ترین ظرف اتحاد و اعمال اراده توده ای است. شورا ضامن اعمال اراده مستقیم

شوراها ابزار متحد شدن، سازماندهی مبارزه انقلابی، ظرف اعمال قدرت کارگران و مردم زحمتکش، و از ارگانهای قیام علیه جمهوری اسلامی اند.

## ستون آخر،

## هیات حاکمه آمریکا و باندهای رژیم اسلامی

علی جوادی



موقعیت برجسته تری در بقاء موجودیت سپاهش ایفاء کنند. پرده های آخر حکومت شاه هم دارای چنین ویژگی هایی بود. آیا این تغییرات به معنای کنار رفتن سایر باندهای رژیم و یا کنار زده شدن آخوند از صحنه سیاست رژیم اسلامی است؟ تقسیم بندیهای درونی رژیم بر مبنای سیاست و استراتژی حفظ رژیم اسلامی است. شاید در شرایطی ناچار شوند مضحکه مجلس اسلامی و یا سایر ارگانهای حاکمیت را به نفع حاکمیت نظامی یکدست به کناری بیندازند. شاید ناچار شوند آخوندها را به قول منصور حکمت با تمام دزدیهانشان به پشت پرده ببرند. شاید ناچار شوند حکومت نظامی اعلام کنند. اما هیچکدام از این تغییرات بدون نقش "رهبر" رژیم اسلامی بسادگی امکان پذیر نیست. در چنین شرایطی مردم با رژیمی مواجهند که برای بقاء خود، لخت و عور، به آخرین برگهایش متوسل شده است. و این پرده آخر عمر سپاه رژیم اسلامی خواهد بود. کارگر و کمونیسم باید برای قطعی ترین تعیین تکلیف سیاسی و فرود آوردن ضربه نهایی آماده شوند. \*

**پیروزی و رهایی مردم در جدال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، ثانیاً جریانات اپوزیسیون راست و ملی - اسلامی را ایزوله و حاشیه ای کرده و ثالثاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی بپاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعبینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی ما است.**

دور از دسترس مردم، بدون اینکه کل نظام جمهوری اسلامی و مبنای حاکمیتش در هم کوبیده شود، است.

۳- مستقل از استنتاجات راست و ارتجاعی آیا حقیقتی در این ارزیابیهای سیاسی موجود است؟ آیا جناح بندیهای رژیم منجر به حاکمیت دستجات سپاهی- پاسداری بر رژیم خواهد شد؟ واقعیت این است که رژیم اسلامی زیر ضرب توده های میلیونی مردم قرار گرفته است. جامعه به غلیان در آمده است که خود را از شر این اوباش اسلامی خلاص کند. هم مردم و هم رژیم خود را برای نبردهای سهمگین آماده میکنند. و هر چقدر اعتراضات گسترده تر و رادیکال تر شود هم رژیم و هم جامعه نیازمند شکل دادن به آرایش لازم برای مقابله با این شرایط جدید هستند. همگان میدانند که رژیم در مقابله اراده مردم سرنگونی طلب بطور "مسالمت آمیز" کنار نخواهد رفت. رژیم اسلامی را نهایتاً باید با قهر انقلابی و اسلحه سرنگون کرد. در چنین شرایطی طبیعی است که رژیم در مقابله با این روند اوضاع هر چه بیشتر آرایش نظامی بخود بگیرد. هر چه بیشتر نیروهای سرکوبش نقش و

در بیش از سه دهه حاکمیت سیاسی اش اعدام و کشتار و قتل عام بیش از صد و بیست هزار تن از شریفترین انسانها را در پرونده خود دارد. معلوم نیست که چه تعداد دیگر باید کشته شوند، چه تعداد از جوانان باید در شکنجه گاههای رژیم مورد تجاوز اسلامی قرار بگیرند تا این ابلهان بپذیرند که رژیم اسلامی از ابتدای شکل گیری خونینش تا به امروز یک رژیم تماماً سرکوبگر و یا بقول این مفسران یک "دیکتاتوری نظامی" تمام عیار بوده است؟

۲- یک نتیجه این تحلیلهای و بخش کردن جناحهای رژیم، جدا کردن حساب سایر باندها و دستجات رژیم اسلامی از بخشی از جناح راست این رژیم است. کار به جایی رسیده است که گویی باید نگران "اختیارات" از دست رفته "رهبر" و "مجلس" و "رئیس جمهور" باید بود. و این عین سیاست اعلام شده داریوش همایون و پسرعموهایشان در حزب و راه توده و امثال فرخ نگهدار و محسن حیدریان و بیژن حکمت است. این جریانات مدتها است که نگران کمرنگ شدن قدرت مافیای "روحانیت" در مقابل جناح "نظامی - پاسدار" هستند. در این مجموعه تحلیلهای جناح موسوی و باند رفسنجانی و اخیراً هم "بیبت امام" از قربانیان این "حرکت" و شاید هم "متحدین" بالقوه این جریانات در بند و بست ارتجاعی شان می باشند. در اینکه جناح موسوی در "کنار مردم" قرار دارد حتی جریان حمید تقوایی و شرکا هم شریکند. و این تحلیلهای پایه بخشی از هدف سیاسی ای است که در این شرایط دنبال میکنند. این جریانات مجموعاً امیدشان به تغییر و تحولات و بند و بست در بالا،

اخیراً هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، در دوحه - پایتخت قطر، در بررسی شرایط و تحولات سیاسی در ایران، گفت که "به نظر می رسد این کشور به سوی تسلط یک دیکتاتوری نظامی به رهبری سپاه پاسداران حرکت میکند. اختیارات حکومتی رهبر، رئیس جمهوری و مجلس ایران از آنها سلب و به سپاه پاسداران منتقل میشود".

این تحلیل مشترک بخشهای وسیعی از مرتجعترین و دست راستی ترین جریانات سیاسی در قبال جناح بندیهای رژیم اسلامی و تغییرات درونی آن است که در محافل سیاسی و مخازن فکری مختلف باب شده است. از موسوی و کروبوی و خاتمی و رفسنجانی گرفته تا داریوش همایون و راه توده و جریانات متعدد ملی - اسلامی و جمهوریخواهان هیات حاکمه آمریکا، جملگی بر این ارزیابی از تحولات درونی رژیم اسلامی اتفاق نظر دارند. مسأله اساسی تر اما استنتاجات سیاسی و موضعی است که از این تغییرات دنبال میشود. اشاراتی کوتاه به مبنای تحلیل و همچنین نتایج ارتجاعی حاصل از آن ضروری است:

۱- یک رکن پایه ای این تحلیل ها رسیدن به استنتاجات سیاسی از ماهیت رژیم اسلامی بر مبنای شکل و آرایش کنونی جناحهای اصلی آن است. برای این متفکرین کودن از قرار وحشیگریها و سرکوبگری های اخیر رژیم اسلامی "نشان" از حرکت "به سوی یک دیکتاتوری نظامی" است. و نه نشان سرکوبگری یک رژیم آدمکش که

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی!**